

چکیدہ

پیوند اعضا از دیدگاه فقه کتابی است فارسی نوشته معصومه سادات هاشمی در که جزو مهم‌ترین مباحث فقهی در اعصار جدید به شمار می‌رود. موضوع [پیوند اعضا](#) نویسنده نخست حالات متصور از برداشت عضو را بیان کرده و دیدگاه و ادله موافقان و مخالفان جداسازی و پیوند اعضا را ارزیابی کرده است. از آنجا که برداشت عضو از میت متمرکز کرده و معمولی کارکرد ندارد مولف بحث را بر برداشت عضو از میت به [مرگ مغزی](#) با تکیه بر اصالة الإباحة، اصل تراحم، وجود منفعت عقلایی و دلایل دیگر به ادله مخالفان پاسخ می‌دهد.

بخش‌هایی از کتاب نیز به مباحث پیرامونی پیوند اعضا مثل فروش اعضای بدن، وصیت به جداسازی اعضا پس از مرگ و طهارت یا نجاست اعضای پیوندی اختصاص یافته است.

معرفی و گزارش ساختار

کتاب پیوند اعضا از دیدگاه فقه نوشته معصومه سادات هاشمی کتابی است با موضوع پیوند اعضا که انتشارات نسیم رضوان آن را در سال ۱۳۹۴ ش به چاپ رسانده است. کتاب در دو بخش و هفت فصل سامان یافته است؛ بخش اول کتاب با عنوان جداسازی اعضا مشتمل بر سه فصل است. فصل اول به کلیات موضوع پیوند اعضا اختصاص دارد. فصل دوم در باب جداسازی اعضا از بدن انسان زنده و فصل سوم در باب جداسازی اعضا از بدن میت است.

بخش دوم کتاب با عنوان پیوند اعضاء در چهار فصل گردآوری شده است. در فصل اول دیدگاه جواز پیوند و ادله آن مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم به نظرگاه قائلین به حرمت پیوند و ادله آنان و نیز بیع اعضاء بدن اختصاص دارد. مولف در فصل سوم مسئله وصیت به اهدای عضو پس از مرگ را بررسی کرده و به ادله جواز و حرمت می‌پردازد. در نهایت، آخرین فصل کتاب را به ذکر احکام مهم پیوند اختصاص داده است.

در کتاب گاه مباحث یک فصل با عناوین فصل‌های دیگر هم‌پوشانی دارد. همچنین در برخی موارد مباحث لُغوی مطرح شده به دلیل بیان مبهم، غیرضروری می‌نماید.

جداسازی اعضاء بدن فرد زنده

در فصل دوم از بخش دوم که مفصل‌ترین فصل کتاب است، مؤلف به ادله‌ی نقلی و عقلی مخالفان و موافقان جداسازی اعضاء از فرد زنده می‌پردازد

قائلان به حرمت، تصرف در بدن به نحو جداسازی اعضاء از بدن فرد زنده و لو با اذن وی را جایز نمی‌دانند و برای اثبات مدعای خود ادله‌ای را که شامل آیات «و لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى الْوَحْشِ» و روایات حرمت اضرار به (نساء، ۱۱۹) «وَفَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ (بقره، ۱۹۵) «التَّهْلُكَةُ هَتِكَ حُرْمَتِ وَ... بیان نموده‌اند (ص ۲۷-۵۶) [۳] حرمت ذلت، [۲] حرمت مُثْلَه، [۱] نفس،

در دیدگاه دوم، فائلان به جوازِ جداسازی اعضای بدن فرد زنده به آیاتی از قرآن کریم از فاستبقوا الخیرات» و آیاتی که بر سلطنت انسان بر خود « جمله **آیه ۱۴۸ سوره بقره**

و برخی روایات، از جمله قاعده‌ی تفویض (دلالت دارند) همچون [آیه ۲۵ سوره مائده](#) و... [\[۵\]](#) روایات اهمیت نیکوکاری و رساندن معروف به مومن [\[۴\]](#) کارهای مومن به خود او، استدلال نموده‌اند.

نویسنده در ادامه تبیین می‌کند که عقل به لزوم حفظ نفس از خطر و ضرر حکم کرده و به انسان اجازه نمی‌دهد کاری کند که باعث ضرر دیدن و یا به خطر افتادن جان او شود و بهترین راه تأمین عضو مورد نیاز، جداسازی آن از مردگان است (ص ۷۵_۵۷)

جداسازی اعضاء بدن مردگان

نویسنده‌ی کتاب در فصل سوم از بخش اول، بعد از بررسی معنای واژه «موت» و مفهوم متناقض آن یعنی حیات، به صورت گذرا به مسئله‌ی موت در قرآن پرداخته است. در ادامه را تعریف می‌کند. از آنجا که پیوندهای مفید مخصوص فقط مرگ طبیعی و [مرگ مغزی](#) پیوندهای از میت به مرگ مغزی است، نویسنده شروط احراز مرگ مغزی از دیدگاه متخصصین را مرور کرده است (ص ۷۷_۸۲)

دلایل حرمت جداسازی اعضای مردگان

در مهم‌ترین قسمت از این فصل مولف طبق سیاق قبلی به ذکر ادله‌ی مخالفان و موافقان جداسازی اعضاء بدن میت پرداخته و به ادله‌ی مخالفان پاسخ داده است. به گزارش او:

زبدی استدلال مخالفان بدین شرح است

حُرمت علیکم المیتة « حرمت انتفاع از میتة با استناد به آیاتی همچون [آیه ۵ سوره مائده](#) و الدم»؛

لا تأکلو اموالکم بینکم بالباطل « نداشتن منفعت حلال با تکیه بر [آیه ۱۸۸ از سوره یقره](#) با این بیان که اعضای بدن مردگان، مردار و نجس است و به دلیل نداشتن منفعت حلال، مالیت هم ندارد؛

روایات هتک حرمت میت مسلمان، همچون صحیحہ عبدالله بن سنان به سند صدوق از امام صادق(ع) که درباره‌ی مردی که سر میتی را قطع کرده بود فرمود: «علیه الدية لأنَّ [\[۶\]](#) حرمتہ میتاً کحرمتہ و هو حیّ

حرمت مُثله کردن

[\[۷\]](#) روایات عدم جواز تأخیر دفن

(ص ۹۳_۸۲) حرمت [اُتانی](#)

دلایل جواز برداشت اعضای بدن مردگان

نویسنده پس از نقد دلایل حرمت جداسازی اعضای بدن مردگان، ادله‌ی موافقان برداشت عضو از مردگان را در دو دلیل خلاصه کرده است: نخست روایاتی که در آنها به شکافتن بدن مادری که مرده و نجات جنین او امر شده و نیز روایات دال بر امر به قطعه قطعه کردن

دیگر آن که بر فرض اینکه برداشت عضو منهی‌عنه [۸]. چنین مرده در شکم مادر است. شارع باشد، ضرورت آن را مباح می‌کند و اباحه تا زمان باقی‌بودن ضرورت، معتبر است.

خلاصه اینکه با جمع‌بندی ادله‌ی مخالفان و موافقان برداشت عضو در مورد انسان زنده تا زمانی که حیات وی در خطر نیفتد برای حفظ و نجات نفس محترم به شرطی که ضرورت به مرحله فعلیت رسیده باشد، برداشت عضو جایز است، اما در مورد میت خطری در میان نیست و فقط شبهه هتک حرمت میت است، که آن نیز با توجه به هدف عقلایی احیاء نفس، منتفی شده و قطع عضو جایز است (ص ۹۴-۹۶).

وصیت به جداسازی اعضای بدن پس از فوت

مولف بحث وصیت به جداسازی اعضا در فصل سوم از بخش دوم آورده است. به گزارش او در این مورد دو دیدگاه جواز و عدم جواز وجود دارد. آیت الله خامنه‌ای برداشت و پیوند را اگر مستلزم مثله نباشد جایز می‌داند. چنان که نوری همدانی، صانعی، حائری، مکارم شیرازی نیز حکم به جواز وصیت داده‌اند.

از سوی دیگر فقیهانی مثل امام خمینی و آیت‌الله گلپایگانی نافذبودن چنین وصیتی را مشکل دانسته‌اند. تبریزی قطع عضو از حی و میت را جایز ندانسته و برای وصیت در این باره اثری قائل نیست. سیستانی، صافی گلپایگانی، بهجت و فاضل لنکرانی فقط در صورت توقف حفظ جان مسلمان و با ذکر شرایطی این عمل را جایز می‌دانند اما در غیر آن صحت و جواز وصیت را مشکل می‌دانند.

مولف در پایان این فصل نقش اذن و رضایت ولی شرعی میت را بررسی کرده به این بیان که آیا اذن و رضایت ولی شرعی همانند صاحب عضو موضوعیت دارد؟ نگارنده در چند صفحه دیدگاه جواز و عدم جواز و ادله‌ی ایشان را ذکر کرده است و به ادله مخالفان پاسخ داده است.

پیوند اعضا

نویسنده در فصل اول از بخش دوم کتاب بعد از بررسی معنای لغوی «زرع» و «نبت» معنای زرع در مسئله کاشت اعضاء را وصل و پیوست اندام قطع شده به ماده حیات آن بیان می‌کند. در ادامه با اشاره به تعریف اصطلاحی پیوند، به ادله‌ی دیدگاه جواز در [آیه ۲۲ از سوره‌ی](#) [مَن أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا](#)، روایت اسحاق بن عمار از امام باقر(ع) دال « [مائه](#) و در پایان حکم عقل مبنی بر وجوب [۹] بر عدم مبغوضیت پیوند عضو جداشده از بدن. حفظ حیات و سلامتی انسان و اولویت آن در صورت تراحم.

نویسنده در خلال ذکر تاریخچه‌ی پیوند در کشورهای اسلامی منظر فقیهان و حقوق‌دانان سال دانشگاه الازهر مصر و نیز دیدگاه‌های علمای عامه در [مجمع فقهی اسلامی مینا](#) ۱۴۰۵ ق که به صورت یک قطعنامه‌ی فقهی تدوین گردید نیز بیان شده است (ص ۲۱-۲۲). او عمده‌ی استدلال علمای اهل سنت بر جواز و مشروعیت عمل پیوند را نیز حول چهار استدلال نقل می‌کند که عبارتند از: ۱. عدم وجود مانع بر جواز در منابع ۲. لزوم مشروعیت

قوانینی که ممنوع نشده است ۳. منفعت مشروع از این عمل ۴. اصل نوع دوستی در اسلام. همچنین در این قطعنامه‌ی فقهی شروطی برای عمل پیوند بیان شده است که نویسندگان به آنها نیز اشاره می‌کند (ص ۲۲)

احکام مترتب بر پیوند

نویسنده در فصل دوم با عنوان احکام مترتب بر پیوند، ادله‌ی دیدگاه عدم جواز پیوند را در سه عنوان گزارش می‌کند که عبارتند از: الف) پیوند، تصرف بدون اذن در ملک غیر است، ب) بطلان نماز با نجاست عضو قطع شده، ج) وجوب دفن اعضای مرده و حرمت تأخیر دفن ((ص ۱۰۵_۱۰۷).

فروش اعضای بدن

در ادامه‌ی این فصل نویسنده به اشکالاتی که در خصوص خرید و فروش اعضای بدن ذکر شده می‌پردازد که عبارتند از: بطلان بیع میت، روایاتی که ثمن میت را سحت اجماع و دلیل عقل که می‌گوید مال باید خارج از جسم انسان باشد، و [۱۰] می‌داند، قیمت بازاری داشته باشد و هر دو در مورد جسم انسان منتفی است (ص ۱۰۸_۱۱۶)

است و نیز این که بر اساس بطلان بیع میت ناشی از عموم موجود در [آیه ۳ سوره مائده](#) [انعام](#)، مالک حقیقی جسم انسان خداوند است فلذا انسان حق و [۱۲ آل عمران آیات ۲۶](#) تصرف در آن را ندارد. به علاوه که عرفاً بر جسم انسان عنوان مال صدق نمی‌کند و اعضای بدن نیز مال نیست چون جزئی از کل بدن هستند که کل بدن در فقه اسلامی مالیت ندارد. نویسنده بر هر یک از دلایل فوق اشکالاتی وارد کرده و در نهایت نتیجه می‌گیرد که فروش اعضای بدن جایز است (ص ۱۱۶)

حکم طهارت و نماز با اعضای پیوندی

فصل نهایی کتاب پیوند اعضاء از دیدگاه فقه، به احکام طهارت و نماز با اعضای پیوندی اختصاص دارد؛ مؤلف در این فصل به چهار مسئله پرداخته که عبارتند از: الف) طهارت اعضای پیوندی، ب) حکم پیوند اعضای مسلمان به مسلمان، ج) حکم پیوند اعضای کافر به مسلمان، د) حکم پیوند اعضای میت مسلمان به کافر، و هـ) نماز با عضو پیوندی

بر اساس آنچه در کتاب آمده است اعضای پیوندی اعم از اینکه مصنوعی باشند، یا از میت، یا از حیوان نجس العین جدا شده باشند، پس از پیوند به انسان طاهر هستند (ص ۱۲۹-۱۳۳) و نماز خواندن با عضو پیوندی هم صحیح است (ص ۱۴۰). جداکردن اعضای بدن کافران مُرده اعم از ذمی و معاهد و حربی برای پیوند به مسلمان جایز است زیرا قرارداد ذمه پس از مرگ از بلاموضوع می‌شود (ص ۱۳۵-۱۳۸). نویسنده همچنین تصریح می‌کند پیوند اعضای میت مسلمان به کافر به دلیل روایتی که حرمت میت مسلمان را مثل حرمت زنده او می‌داند، جایز نیست (ص ۱۳۹)

پانویس